

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۰۲ اپریل ۲۰۲۴



یونس نگاه

[اردوغان آموخت، مگر گلبدین هرگز...]

دیروز بیش از چهل و هشت میلیون نفر در انتخابات محلی (شاروالی‌های) ترکیه رأی دادند. رئیس جمهور ترکیه ساعت ۱۲:۳۰ شب که در بیشتر مناطق بیش از ۹۰ درصد آراء حساب شده بود، در جمع طرفدارانش سخنرانی کرد و گفت ما (حزب اردوغان) به چیزی که می‌خواستیم نرسیدیم، و شکست حزبی را تأیید کرد، ولی افزود که برنده اصلی دموکراسی است. او گفت که دموکراسی برنده شد و ما هرگز به رأی مردم بی‌احترامی نخواهیم کرد. حزب مخالف (اتاتورکی‌ها) برنده اصلی انتخابات بود. شهرهای مهم از جمله استانبول و انقره را با تفاوت زیاد از حزب اردوغان برد.

وقتی سخنرانی اردوغان را می‌دیدم به یاد عکسی افتادم که در دهه نوزده هشتاد میلادی از او کنار گلبدین حکمتیار ثبت شده است. گلبدین روی چوکی نشسته و اردوغان به احترام او روی زمین نشسته و به گوشه چوکی گلبدین تکیه کرده است.

اردوغانی را که یک زمان می‌خواست از گلبدین بیاموزد، ملت ترکیه به مسیری کشانده است که امروز دموکراسی و رأی مردم را چون ایمانش مقدس می‌خواند و مجبور است قاعده بازی را رعایت کند. در افغانستان اما نه گلبدین رشد کرد، نه اخوانی‌های دیگر توانستند به پختگی برسند که حداقل‌های لازم برای شایستگی حکومت را به دست آورند، بلکه آنان عمدتاً یا در زراندوزی و عیاشی غرق شدند یا در نسخه‌های عقب‌مانده‌تر خود (طالبان، داعیشان و تحریریان) ذوب گردیدند. بنیادگرایان و لومپن‌های مذهبی که امروز مثل خوره ستون‌های دولت‌داری، مدنیت و آزادی را در کشور ما می‌جویند میراث‌داران سیاست‌های گلبدین، ربانی، سیاف و برادران شان اند.

علت این عقب‌گرد ملی اما در زشتی ذاتی و دیوصفتی آن رهبران نیست، بلکه در آلودگی زمین سیاست افغانستان و عقب‌ماندگی عمومی ما است. ملت ما نتوانست از باتلاق جنگ و عقب‌ماندگی بیرون شود و رهبران شان نیز هر روز باتلاقی‌تر و عقب‌ماندتر شده اند. از همین روست که هفته گذشته صدائی از ملامت الله شنیدیم که دموکراسی را چون دشنام به کار برده و از شکست آن در افغانستان به جهان اطمینان داده بود!

اردوغان با سوابق اخوانی، از نظر فرهنگی و اجتماعی، مترقی‌تر از بیشتر کلان‌های زنده شعله‌ئی و خلقی [پرچمی ها] افغانستان است. شعله‌ئی‌ها و خلقی‌ها [پرچمی ها] که قطب چپ سیاست افغانستان را می‌ساختند، شاید در دهه چهل و پنجاه هجری شمسی، آدم‌های نسبتاً مترقی بودند، ولی در جریان جنگ و جهاد اینان نیز چنان به کثافت‌ها آلوده شدند که چهره اکثرشان از دیدن نیست. ظاهر سرخ ولی ذهن روستائی و بسیار عقب‌مانده دارند. تعدادی از کلان‌های اینان در چهل سال گذشته عقب‌گرد وحشتناک را تجربه کردند، و مثل برادران جهادی شان در زراندوزی، فساد مالی، و فرقه‌گرایی غرق شدند.

وقتی ملت درس خوانده، صاحب نان و آبرو نباشد، نمی‌تواند جریان‌های سیاسی آبرومند و رهبران مترقی بزیاید.